

دکتر گری یتس، جرمایا، سخنرانی ۶، مرور کلی کتاب

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ششم، مروری بر کتاب ارمیا است.

در جلسه قبل، در مورد شکل‌گیری و نگارش کتاب ارمیا و فرآیندی که خدا برای نگارش کتاب ارمیا استفاده کرد، صحبت کردیم.

خدا این کتاب را الهام بخشید. خدا به پیامبر، چه از طریق کلام شفاهی و چه از طریق کلام مکتوب، الهام بخشید، اما این کتاب چیزی نبود که به سادگی از آسمان افتاده باشد، و فرآیندی در آن دخیل بوده است. برای کمک بیشتر به ما در درک کتاب ارمیا به عنوان یک کتاب، می‌خواهم در این جلسه مروری بر کتاب ارمیا داشته باشیم، جایی که پیام بزرگتر کتاب و چگونگی تناسب همه اجزای آن با یکدیگر به عنوان یک واحد را درک می‌کنیم.

گاهی اوقات وقتی کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم، بخش‌هایی از یک کتاب را به صورت جداگانه بیرون می‌کشیم. هنگام خواندن این کتاب، ممکن است بخش‌های خاصی را پیدا کنید که برای شما جالب‌تر از بقیه باشند، اما مهم است که علاوه بر درختان، جنگل را نیز ببینید. من معتقدم وقتی بفهمیم که چگونه کتاب به عنوان یک واحد با هم هماهنگ است، درک بهتری از بخش‌های جداگانه‌ای که در آن وجود دارد نیز خواهیم داشت.

بگذارید چند نقل قول از درس قبلی‌مان را به شما یادآوری کنم. ارمیا قطعاً کتاب دشواری است. ممکن است هنگام خواندن آن و مطالعه‌ی مرتبط با این مطالعه، احساس کنید که خودتان هم این را تجربه می‌کنید.

از آنجایی که من خیلی سریع، گاهی اوقات در ویدیوها، به مطالب اشاره می‌کنم، ممکن است بگویید، آن کجاست؟ چگونه می‌توانم آن را پیدا کنم؟ اما به یاد داشته باشید که اندرو شید در کتابش، «دهانی پر از آتش»، چه می‌گوید. ارمیا طولانی، پر از تکرار، با ترتیب زمانی غیرخطی و دائماً در حال تغییر از یک ژانر به ژانر دیگر است. سپس، آر پی کارول، به شیوه بدبینانه‌تر خود، برای خواننده مدرن، کتاب‌های اشعیا، ارمیا و حزقیال عملاً به عنوان کتاب غیرقابل درک هستند.

کسی که کاملاً گیج نشده باشد، یا کسی که کتاب ارمیا او را گیج نکرده باشد، آن را نفهمیده است. و بنابراین، اگر مردم چنین اظهاراتی می‌کنند، ممکن است این سوال را پرسید که چگونه می‌توانم کتاب ارمیا را بفهمم؟ چگونه می‌توان این کتاب که بسیار عجیب به نظر می‌رسد را به روشی متفاوت از کتاب‌هایی که می‌خوانیم کنار هم گذاشت؟ چگونه می‌توانم آن را بفهمم؟ من متقاعد شده‌ام که کتاب ارمیا احتمالاً شبیه هیچ کتابی نیست که اکنون روی کیندل خود دارید. و بنابراین، می‌خواهم درکی از نحوه خواندن این کتاب به عنوان یک واحد، نحوه درک آن به عنوان یک کتاب به ما ارائه دهم.

کتاب ارمیا با رساله‌های پولس بسیار متفاوت است. کتاب ارمیا با انجیل‌ها متفاوت است. کتاب ارمیا حتی با کتاب‌های مختلفی که شاید در عهد عتیق با آنها بیشتر آشنا باشید، مانند پیدایش، مزامیر یا امثال، نیز متفاوت است.

اما وحدتی از این کتاب پدیدار می‌شود که فکر می‌کنم به ما در درک آن کمک می‌کند. باز هم، محققان منتقد می‌خواستند این کتاب را به عنوان کتابی بی‌نظم، گیج‌کننده و چیزی که به شکلی نسبتاً تصادفی گردآوری شده

است، در نظر بگیرند. ویلیام مک کین، نویسنده‌ی تفسیر انتقادی بین‌المللی بر ارمیا، تفسیری بسیار مهم بر این کتاب، ارمیا را با آن مقایسه می‌کند. او از آن به عنوان یک مجموعه‌ی غلتان یاد می‌کند.

و به یک معنا، او کتاب ارمیا را با گلوله برفی که از تپه پایین می‌غلتد مقایسه می‌کند. و آنچه در این مجموعه غلتان دارید این است که اساساً پیام‌های اولیه کتاب ارمیا، همانطور که رشد و توسعه می‌یابند، مانند گلوله برفی که از تپه پایین می‌غلتد، مطالب را جمع می‌کنند. حال، فکر می‌کنم شما کاملاً از این واقعیت آگاه هستید که گلوله برفی که از تپه پایین می‌غلتد، خیلی منسجم طراحی نشده است.

و این درک او از کتاب ارمیا است. والتر بروگمان، به نظر من با رویکردی بسیار پست مدرن به کتاب، تأثیر ویراستاران و ویراستاران مختلف را در کتاب ارمیا می‌بیند. اساساً، آنچه او از کتاب درک می‌کند این است که این ناهماهنگی از همه این صداهای مختلف وجود دارد که دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رنج تبعید و بحران سیاسی که در جریان است، دارند.

چه اتفاقی برای این گروه از مردم و این پناهندگان در این تبعید می‌افتد؟ و خدا چه زمانی قرار است مردم را بازگرداند؟ و دوباره، در یک دوره زمانی طولانی در حال توسعه است. و کتاب ارمیا، به یک معنا، شامل همه این صداهای ناهماهنگ است و به نوعی، کلام خدا از آن پدیدار می‌شود. من معتقدم که اگر ما در مورد این واقعیت که ارمیا کلام خداست، که از جانب خدا الهام گرفته شده است، و اینکه خدا این کتاب را هنگام گردآوری هدایت کرده است، متقاعد شویم، پیامی بسیار منظم‌تر از آن پدیدار خواهد شد.

البته، این موضوع گاهی اوقات از دشواری‌های گردآوری این کتاب نمی‌کاهد. این واقعیت را که کتاب به ترتیب زمانی، آنطور که ما به خواندن کتاب عادت داریم، گردآوری نشده است، کم نمی‌کند، اما نظم و طرحی در پس این موضوع منعکس شده است. لوئیس استولمن، همانطور که با کتاب ارمیا سر و کار دارد، به این کتاب اشاره می‌کند و آن را اینگونه توصیف می‌کند.

او می‌گوید این بازتابی از نظم در میان هرج و مرج است. و به نوعی، شاید بی‌نظمی ظاهری، همانطور که به کتاب ارمیا نگاه می‌کنیم، در واقع بازتابی از زمانه‌ای باشد که ارمیا در آن زندگی می‌کند. و بنابراین، ما این تصاویر متناقض را داریم، و این ژانرهای مختلف را داریم که یکی پس از دیگری تحمیل می‌شوند، به نوعی، تا دوره زمانی که ارمیا در آن زندگی می‌کند را منعکس کنند.

جاهایی در کتاب ارمیا وجود دارد که دنبال کردن ترتیب وقایع در آنها بسیار گیج‌کننده است، زیرا به نظر می‌رسد ارمیا در زندان‌ها و مکان‌های مختلفی به سر می‌برد. ممکن است هنگام خواندن کتاب این سوال را بپرسید که او چگونه از این زندان به آن زندان رفته است؟ و چرا توضیحی برای این موضوع وجود ندارد؟ اما به یک معنا، این نشان دهنده بی‌نظمی زندگی ارمیا است. این نشان دهنده بی‌نظمی مردی است که اغلب مجبور است در حال فرار موعظه کند یا مردی که باید طومار پیشگویی‌های خود را ثبت کند و سپس پنهان شود زیرا ظاهر شدن در ملاء عام برای او امن نیست.

این نشان دهنده اتفاقاتی است که برای مردی که در زندان است تا زمانی که شهر اورشلیم تصرف شود می‌افتد. و سپس تصرف آن شهر به آزادی او از زندان منجر می‌شود. بنابراین، در میان هرج و مرج، نظم وجود دارد.

آیه‌ای که به من کمک کرده است تا پیشرفت و توسعه کتاب ارمیا را درک کنم، درست در همان ابتدای کتاب در ارمیا، فصل اول، آیه نهم یافت می‌شود. و آنچه در ارمیا، فصل اول، در آیه نهم داریم این است که خداوند به پیامبر می‌گوید، من سخنان خود را در دهان تو گذاشته‌ام. و سپس در آیه 10، بین، من امروز تو را بر ملت‌ها و بر پادشاهی‌ها قرار داده‌ام.

و سپس او پنج فعل را به ما می‌دهد که پیام خدمت ارمیا را توصیف می‌کنند. این کاری است که کلمات شما برای انجام آن طراحی شده‌اند. آنها برای کندن و خراب کردن، نابود کردن و سرنگون کردن، ساختن و کاشتن طراحی شده‌اند.

ارمیا پیامبر یهودا و ملت‌ها بود. من تو را پیامبر ملت‌ها قرار داده‌ام. ارمیا فقط درباره یهودا و اسرائیل صحبت نمی‌کند.

ارمیا درباره مصر، بابل، عمونیان، ادومیان و مردمی که در اطراف اسرائیل زندگی می‌کردند صحبت می‌کند. پیام او فراتر از اسرائیل است. بنابراین، بخش‌هایی از کتاب وجود دارد که بر ارمیا به عنوان پیامبر اسرائیل و یهودا تمرکز دارد.

این تمرکز اصلی در فصل‌های ۱ تا ۴۵ است. اما تمرکزی نیز بر ارمیا به عنوان پیامبری برای ملت‌ها وجود خواهد داشت و فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ به ما پیشگویی‌هایی را که ارمیا علیه آن مردم می‌گوید، ارائه می‌دهد. فصل ۲۵، که خلاصه و نتیجه‌گیری بخش اول کتاب و مقدمه‌ای بر بخش دوم کتاب است، دوباره بر چگونگی ارتباط پیام او با ملت تمرکز خواهد کرد.

بنابراین، درک این که ارمیا پیامبر اسرائیل و ملت‌ها است، به ما کمک می‌کند تا طرح و ترتیب کتاب را درک کنیم. و سپس به این شش فعل برمی‌گردیم: کندن، خراب کردن، نابود کردن، سرنگون کردن، ساختن و کاشتن. این افعال در جاهای مختلف کتاب ارمیا به عنوان خلاصه‌ای از پیام داوری و وعده‌های نجات او ظاهر می‌شوند.

آنها در فصل ۲۵ خواهند بود. آنها در فصل ۳۱ خواهند بود. آنها در فصل ۴۵ خواهند بود.

بسته به اینکه آن بخش‌ها به داوری یا نجات مربوط باشند، آن افعال پیام ارمیا را خلاصه می‌کنند. بنابراین همانطور که به این موضوع نگاه می‌کنیم، با درک اینکه او پیامبر داوری و پیامبر نجات است، شروع به ساختاردهی و مرتب کردن پیام ارمیا می‌کنیم. خدا قرار است یهودا را داوری کند.

او آنها را به خاطر بی‌وفایی‌شان به عهدشان نابود خواهد کرد. اما ارمیا پیامبر نجات است. خدا اسرائیل را احیا خواهد کرد.

خداوند دشمنان آنها را داوری خواهد کرد و در نهایت اوضاع را درست خواهد کرد. تنها درک این مفهوم اساسی از کتاب ارمیا، تا حدودی ساختار کتاب را به ما می‌دهد. استولمن، دوباره در کتاب خود، نظم در میان هرج و مرج، می‌گوید که فصل‌های ۱ تا ۲۶، یا فصل‌های ۱ تا ۲۵، نیمه اول کتاب، اساساً به رسالت ارمیا در ویران کردن و از ریشه کندن می‌پردازند.

و جهان قدیم و نظم کهن و تمام چیزهایی که متعلق به تاریخ گذشته اسرائیل است، توسط خدا ریشه کن می‌شود. به یک معنا، خدا وعده‌های عهدی را که به اسرائیل داده است، لغو می‌کند و به جای آن مجازات‌های عهد را بر آنها نازل می‌کند. چیزهایی که اسرائیل برای تأمین امنیت در رابطه خود با خدا به آنها اعتماد داشته است، در فصل‌های ۱ تا ۲۵ در حال نابودی و ریشه کن شدن هستند.

اما در نیمه دوم کتاب، تأکید بر ساختن و کاشتن توسط خدا خواهد بود. داوری تبعید نیز وجود خواهد داشت. روایت فصل‌های ۳۷ تا ۴۴ بر وقایعی که در زندگی ارمیا پیرامون سقوط اورشلیم رخ داده است، متمرکز خواهد بود.

اما در نیمه دوم کتاب تأکید بسیار بیشتری بر سازندگی، عهد جدید و چگونگی بازگرداندن قوم توسط خداوند به سرزمین وجود دارد. بنابراین، به یک معنا، همانطور که در حال مطالعه کتاب ارمیا هستید، به یاد داشته باشید که در نیمه اول کتاب، فصل‌های ۱ تا ۲۵، تمرکز بر تخریب و کندن است. در نیمه دوم کتاب، در فصل‌های ۲۶ و ۵۲، تخریب واقعی رخ می‌دهد.

اما در این میان، به ما نشان می‌دهد که چگونه خدا قرار است شهر و قوم خود را بازسازی و از نو کشت کند و پس از وقوع داوری برای آنها چه خواهد کرد. حال، من معتقدم که می‌توانیم کتاب را بیشتر تقسیم کنیم. در نیمه اول، شاهد فروپاشی نظم قدیمی هستیم.

ما در نیمه دوم، بازسازی نظم جدید را داریم. من معتقدم که می‌توانیم بخش‌های خاص‌تری را برای کتاب ببینیم. و اجازه دهید فقط به چند مورد از آنها اشاره کنم.

اندرو شیت، دوباره، در کتابش، «دهانی پر از آتش»، که به نظر من یکی از بهترین مطالعات الهیاتی کتاب ارمیا است که خواننده‌ام، در مورد این واقعیت صحبت می‌کند که کتاب ارمیا یک داستان است، نه فقط در مورد زندگی یک پیامبر، بلکه داستانی در مورد کلام خداست، فراتر از این ایده که نیمه اول کتاب به تخریب و ریشه‌کنی و نیمه دوم کتاب به ساختن و دوباره کاشتن می‌پردازد. من فکر می‌کنم می‌توانیم تقسیم‌بندی‌های خاص‌تر و روش‌های خاص‌تری را که کتاب ارمیا تنظیم و ساختار یافته است، ببینیم. اندرو شیت، در کتابش، «دهانی پر از آتش»، می‌گوید که داستان کتاب ارمیا اساساً داستانی از کلام خداست.

این فقط زندگی ارمیا نیست. این بیوگرافی ارمیا نیست، بلکه داستان اتفاقی است که می‌افتد وقتی کلام خدا در استخوان‌های ارمیا آتش می‌گیرد. او شروع به موعظه و ابلاغ آن می‌کند.

چه اتفاقی برای آن کلمه هنگام خروج می‌افتد؟ و بنابراین، ارمیا، به یک معنا، به نماینده زنده‌ای از کلام خدا تبدیل می‌شود. او به تجسمی از آن کلمه تبدیل می‌شود. و بنابراین، اتفاقی که برای ارمیا افتاد، اشکال مختلف آزار و اذیت، ظلم، افتادن در سیاه‌چال و تهدید جاننش، نشان دهنده واکنش مردم به کلام خدا است.

همچنین این کلام خداست که باعث سقوط اورشلیم می‌شود. خدا کلام نبوی خود را محقق می‌کند. و سپس این کلام خداست که به قوم اسرائیل برای آینده‌شان امید می‌دهد، اینکه خدا آنها را رها نکرده است.

و بنابراین، شید توضیح می‌دهد که کتاب ارمیا حدود ۱۴ یا ۱۵ واحد مختلف ساختار یافته است که با اشکال مختلف عبارت «کلام خداوند بر ارمیا نازل شد» معرفی می‌شوند. بنابراین، می‌توانید ببینید که سه مورد از آنها در فصل اول، فصل اول، آیه چهارم، فصل اول، آیه ۱۱، فصل ۱۳ و سپس فصل دوم، فصل هفتم، فصل ۱۱ و همینطور ادامه دارد. بنابراین، هنگام خواندن کتاب ارمیا، به بخش‌های بزرگتر و کوچکتری که به نوعی با عبارت «کلام خداوند بر ارمیا نازل شد» معرفی شده‌اند، توجه کنید.

گاهی اوقات، برای تعیین اینکه یک پیشگویی از کجا شروع می‌شود یا یک خطبه از کجا شروع می‌شود و خطبه دیگر کجا به پایان می‌رسد، اغلب این نوع عبارات برای کمک و راهنمایی ما وجود دارند. بنابراین، فکر می‌کنم این یک نشانگر ساختاری مهم در کتاب است. نکته مهم دیگری که باید درک شود این است که کتاب به سه بخش اصلی متن تقسیم می‌شود.

در واقع، من فکر می‌کنم نکته‌ی خوب برای هر کسی که شروع به مطالعه‌ی کتاب ارمیا می‌کند، این است که تقسیم‌بندی فصل‌ها و یک تقسیم‌بندی اساسی برای این سه بخش اصلی متن را به خاطر بسپارد. اولین تقسیم‌بندی اصلی در فصل‌های یک تا ۲۵ یافت می‌شود. و می‌توانیم آن بخش را خیلی ساده خلاصه کنیم.

این بخش عمدتاً شامل پیشگویی‌ها و پیام‌های داوری ارمیا علیه مردم یهودا و اورشلیم است. او داوری، قریب‌الوقوعی را که خدا قرار است علیه شهر یهودا بیاورد، اعلام می‌کند. بخش دوم، فصل‌های ۲۶ تا ۴۵ انواع مختلفی از مطالب را دارد، زیرا اکنون عمدتاً داستان‌ها و قسمت‌هایی از زندگی ارمیا را خواهیم داشت.

باز هم، هدف از این کار ارائه شرح حال زندگی ارمیا نیست. این کار به ما سفرنامه‌ای از تجربیات او ارائه نمی‌دهد، بلکه این واقعیت را برای ما منعکس می‌کند که یهودا از کلام خداوند اطاعت نکرد. عبارتی که در این بخش از کتاب به طور مکرر تکرار خواهد شد این است که آنها اطاعت نکردند.

آنها به کلام خدا گوش ندادند. و داستان‌های مختلفی وجود خواهد داشت که در آنها ارمیا قرار است کلام خدا را تعلیم دهد یا موعظه کند. او قرار است پیامی را که خدا به او داده است، اعلام کند.

ما قرار است واکنش‌های گروه‌های مختلف مردم را ببینیم. معمولاً واکنش، واکنشی منفی خواهد بود که در آن به آنچه خدا از طریق پیامبر می‌گوید گوش نمی‌دهند. بخش پایانی کتاب، سومین بخش اصلی، در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ آمده است.

اینجا یک گذار واضح وجود دارد. به راحتی می‌توان آن را دید زیرا ارمیا از پیام‌های داوری خود، داوری‌هایی که یهودا تجربه می‌کند، به پیام‌هایی که ارمیا علیه ملت‌ها موعظه کرد، حرکت می‌کند.

در نهایت، آخرین چیزی که در کتاب داریم، فصل ۵۲، یک پی‌نوشت است. این یک ضمیمه است. این داستان سقوط اورشلیم در سال‌های ۵۸۷-۵۸۶ قبل از میلاد است.

و من فکر می‌کنم این [جمله برای یادآوری این نکته است که حتی در پایان رسالت ارمیا، چیزی که بر تاریخ اسرائیل سایه افکنده، سقوط شهر اورشلیم است. در عوض، مردم ممکن است به سرزمین خود بازگشته باشند، اما تبعید، به یک معنا، تا زمانی که خدا آنها را به طور کامل احیا کند، ادامه دارد. تبعید، سقوط اورشلیم، رویداد کلیدی بود که رسالت ارمیا و پیام او را به عنوان یک پیامبر تأیید و تصدیق کرد.

این گواهی بود بر اینکه پیام او دقیقاً همان چیزی بود که خدا می‌خواست به مردم بگوید. و بنابراین، این به عنوان یک ضمیمه یا پی‌نوشت در کتاب وجود دارد. بنابراین، وقتی این سه بخش، ۱ تا ۲۵، ۲۶ تا ۴۵، ۴۶ تا ۵۱ را به همراه پی‌نوشت پایانی درک کنیم، فکر می‌کنم، دوباره، نظمی از دل هرج و مرج پدیدار می‌شود، ۵۱.

و اگرچه در اینجا ترتیب وقایع وجود ندارد، اما شاهد یک وحدت اساسی در این کتاب هستیم. حال بیایید به بخش اول، پیشگویی‌های ارمیا در مورد داوری، برگردیم. در این بخش، دو نکته اصلی وجود خواهد داشت.

دو کلمه اصلی وجود دارد که اگر بتوانید آنها را به خاطر بسپارید، فکر می‌کنم متوجه شده‌اید که در این بخش چه چیزی مطرح شده است. قرار است یک اتهام مطرح شود و یک کیفرخواست. اتهام به این واقعیت مربوط می‌شود که ارمیا، همانطور که این پیام داوری را موعظه می‌کند، فقط به مردم نمی‌گوید که خدا قرار است آنها را داوری کند.

او دلایل وقوع آن داوری را توضیح می‌دهد. آنها چه کرده‌اند؟ چگونه عهد را نقض کرده‌اند؟ این اتهام است. کیفرخواست مربوط به داوری خاصی است که خدا قرار است علیه قوم خود به اجرا بگذارد.

خداوند به چه شیوه‌هایی آنها را داوری خواهد کرد؟ اتفاقات خاصی که به دلیل داوری خداوند برای آنها رخ خواهد داد چیست؟ بنابراین، بیایید برخی از بخش‌های کلیدی که در مورد کیفرخواست خداوند علیه اسرائیل صحبت می‌کنند را خلاصه کنیم. با بازگشت دوباره به بخش اولیه کتاب، فصل دوم، که فکر می‌کنم پیام سازنده‌ای برای کل کتاب دارد، اتهامی در مورد بت‌پرستی مردم و این واقعیت که مردم مرتکب دو شر شده‌اند، وجود دارد. آنها مرا، چشمه آب حیات، رها کرده‌اند.

آنها برای خود حوض‌های شکسته‌ای کنده‌اند که نمی‌توانند آب را در خود نگه دارند. نفرت‌انگیزترین و ناامیدکننده‌ترین کاری که اسرائیل و یهودا انجام داده‌اند این است که خدا را رها کرده‌اند و شروع به پرستش بت‌های دیگر کرده‌اند. به یک معنا، بت‌پرستی گناه نهایی است زیرا گناهی از بی‌وفایی است

این گناهی است که در یک رابطه‌ی از هم پاشیده رخ می‌دهد. این گناهی است که در آن آنها به شکلی کاملاً شخصی به خدا بی‌وفا بوده‌اند، اما این گناه ریشه و اساس تمام گناهان دیگر آنها نیز می‌شود. فصل دوم، آیه ۲۰، تصویری است که قرار است در سراسر کتاب به کار گرفته شود،

زیرا مدت‌ها پیش، یوغ تو را شکستم، بندهای تو را گسستم، اما تو گفתי که خدمت نخواهم کرد. آری، بر هر تپه بلند و زیر هر درخت سبز، مانند یک فاحشه سر تعظیم فرود آوردی. و بنابراین ارمیا قوم را به عنوان همسر بی‌وفای خدا به تصویر خواهد کشید.

آنها فاحشه‌ای هستند که به خداوند خیانت کرده‌اند. تصور کنید اگر کشیش ما صبح یکشنبه بلند شود و با ما اینگونه روبرو شود، واکنش ما چه خواهد بود؟ اما این تصویری است که در کل کتاب ارمیا خود را نشان می‌دهد. کیفرخواست در فصل هفتم ادامه دارد.

من فکر می‌کنم یکی از معروف‌ترین بخش‌ها و اجزای خدمت ارمیا روزی بود که او برخاست و خطبه معروف معبد خود را ایراد کرد. و باز هم، شجاعتی که ارمیا به خرج داد تا بایستد و به مردم بگوید، شما گناه کرده‌اید. شما عهد را شکسته‌اید. و در نتیجه این، این معبدی که فکر می‌کنید محافظت شما را تضمین می‌کند، که فکر می‌کنید تضمین می‌کند که خدا همیشه شما را برکت خواهد داد، شما این معبد را به لانه دزدان تبدیل کرده‌اید.

به یک معنا، با بی‌وفایی شما به عهد، معبد به مخفیگاهی برای بانی و کلاید تبدیل شده است. و به همین دلیل، خدا معبد را نابود خواهد کرد. خدا آن را فرو خواهد ریخت.

فصل دهم، کیفرخواست دیگری، خطبه دیگری که ارمیا ایراد می‌کند. آنها بت‌ها را پرستش کرده‌اند، و این بت‌ها به بی‌ارزشی و بی‌جانی مترسک‌ها در مزرعه خربزه هستند. ارمیا فصل دهم، آیه پنجم.

فصل یازدهم، خطبه‌ای که ارمیا ایراد می‌کند. قوم پیمان را شکسته‌اند. آنها به مفاد پیمان عمل نکرده‌اند.

این عهد فقط مربوط به برکت خدا نیست. بلکه مربوط به مسئولیت‌هایی است که خدا به عنوان قوم عهد خود بر عهده آنها گذاشته است. و بنابراین در پایان این خطبه، تقریباً در پایان این، در فصل ۱۱، آیات ۱۰ و ۱۱، آنها به گناهان اجداد خود بازگشته‌اند.

آنها از شنیدن سخنان من ابا کرده‌اند. آنها به دنبال خدایان دیگر رفته‌اند تا آنها را عبادت کنند. خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی را که با پدرانشان بسته بودم، شکسته‌اند.

بنابراین، خداوند چنین می‌گوید: اینک من بلایی بر سرشان می‌آورم که نمی‌توانند از آن فرار کنند. با نگاهی به ایده کیفرخواست در بخش اول کتاب، می‌توانیم به فصل‌های ۲۲ و ۲۳ برویم. وقتی به تاریخ و پیشینه ارمیا نگاه می‌کردیم، به فصل ۲۲، یعنی شکست‌های آخرین پادشاهان یهودا، نگاه کردیم.

و به یاد داشته باشید، ارمیا تحت سلطنت الهی یوشیا آغاز می‌شود، اما خیلی زود، سلطنت شیطانی یهوآحاز، یهوایقیم، یهوایکین و صدقیا از راه می‌رسد. هر یک از آنها آنچه را که در نظر خداوند پلید بود، انجام دادند. خداوند رهبری آنها را محکوم می‌کند.

مشکلاتی که یهودا داشت و گناهی که از بسیاری جهات وارد زندگی یهودا به عنوان یک ملت شده بود، ناشی از رهبری بدی بود که از خدا روی برگردانده بود. بنابراین، فصل ۲۲ پادشاهان و رهبران آنها را محکوم می‌کند. در فصل ۲۳، ما کیفرخواستی علیه پیامبران آنها داریم و رهبران روحانی در اسرائیل به اندازه رهبران مدنی مشکل‌ساز بودند.

انبیا و کاهنان هر دو مسئولیت خود را برای تعلیم کلام خدا رها کرده بودند. مشکل انبیا، به ویژه در فصل این است که آنها پیامی را موعظه می‌کنند که بازتابی از رویاهای خودشان، ایده‌های خودشان و ۲۳ دیدگاه‌های خودشان در مورد آنچه در تاریخ اسرائیل می‌گذرد، است. آنها کلام خداوند نیستند.

و خداوند می‌گوید که من این انبیا را داوری خواهم کرد، زیرا اولاً، من آنها را گناهی مرتکب نشده‌ام. و آنها به مشورت خداوند پایبند نبوده‌اند. آنها پیامی از من دریافت نکرده‌اند، اما با این حال این پیام را اعلام می‌کنند.

و سرانجام در فصل ۲۵، این بخش با این گفته‌ی خدا به پایان می‌رسد که او مردم یهودا را وادار خواهد کرد، تا شراب داوری او را بنوشند. و این داوری به دست بابلی‌ها انجام خواهد شد. بنابراین، در سراسر این بخش، فصل‌های ۱ تا ۲۵، تأکید بر کیفرخواست وجود دارد.

اما به محض اینکه کیفرخواست صادر شد و به محض اینکه در خدمت ارمیا روشن و آشکار شد که توبه‌ای در کار نخواهد بود، این ایده نیز وجود دارد که اکنون راه خاص، اعلام چگونگی اجرای آن داوری توسط خدا در اینجا آمده است. و آنچه در فصل‌های ۱ تا ۲۵ داریم، که اغلب با استفاده از شعر و تصاویر بسیار زنده و قدرتمند بیان می‌شود، این است که توصیفاتی از نوع خاص داوری که خدا قرار است علیه مردم انجام دهد، وجود خواهد داشت. و اعلام این داوری قریب‌الوقوع، این ارتش قدرتمند قرار است سرزمین اسرائیل و سرزمین یهودا را درنوردد و به پادشاهی جنوبی حمله کند و آنها را به تبعید بفرستد.

به نظرم جالب است که در کتاب ارمیا، وقتی این اتهام شروع به مطرح شدن می‌کند، ارمیا، اول از همه، ملت خاصی را که خدا قرار است علیه آنها بیاورد، مشخص نمی‌کند. به یک معنا، این به رمز و راز می‌افزاید. این ارتشی است که از نظر سیاسی نمی‌توانید آن را روی نقشه پیدا کنید و با آن صحبت کنید و هویتش را مشخص کنید، اما ارتشی وجود دارد که قرار است به شما حمله کند.

پیامبر این لشکر را به واضح‌ترین و قدرتمندترین شکل ممکن توصیف می‌کند، زیرا اگر مردم بتوانند به نحوی درک کنند که این داوری چقدر وحشتناک و هولناک خواهد بود، شاید به آن واکنش نشان دهند، توبه کنند و از راه‌های گناه‌آلود خود بازگردند. و بنابراین، پس از اتهام و کیفرخواست، این توصیفات از داوری و لشکری که قرار است بیاید، به ویژه در فصل‌های چهار و پنج ارمیا وجود دارد. و در اینجا شرحی از حمله آمده است.

این روش خاصی است که خداوند قرار است مردم یهودا را داوری کند. و این را می‌گوید...: «در یهودا اعلام کنید و در اورشلیم اعلام کنید و این را بگویید، شیپور را در سراسر سرزمین بنوازید، با صدای بلند فریاد

بزنید و بگویید، جمع شوید و به شهرهای مستحکم برویم، پرچی به سوی صهیون برافرازید، برای امنیت، فرار کنید، توقف نکنید، زیرا من، خداوند، از شمال فاجعه می‌آورم. شیر از بیسه خود بیرون آمده است.» نابودکننده ملت‌ها بیرون آمده است

او از مکان خود بیرون رفته است تا سرزمین شما را ویران کند. شهرهای شما ویرانه‌هایی بدون سکنه خواهند بود. برای این، پلاس بپوشید، ناله و شیون کنید، زیرا خشم شدید خداوند از ما برگشته‌اند.» می‌توانید صحنه‌ای از یک فاجعه ملی را تصور کنید.

مردم در شهرهای مستحکم جمع می‌شوند زیرا دشمنی برای حمله به آنها می‌آید. و این دشمن مانند شیر است. و باز هم، این چیزی یا کسی نیست که یهودا بتواند آن را شناسایی کند.

...: «این ارتش مرموز است که به سمت آنها می‌آید. توضیح دیگری در فصل چهارم، آیه ۱۳ وجود دارد.» اینک، او مانند ابرها می‌آید. ازابه‌هایش مانند گردباد هستند.

اسب‌های او از عقاب‌ها تیزترند. وای بر ما، زیرا هلاک شده‌ایم.» و اگر بتوانید به نحوی خود را در شهر اورشلیم تصور کنید، تصور کنید که در آن زمان تحت حمله دشمن بودن چگونه خواهد بود. می‌توانید تصویری از آنچه ارمیا به مردم هشدار می‌دهد، داشته باشید.

در فصل پنجم، آیات ۱۵ و ۱۷، خداوند می‌گوید...: «ای خاندان اسرائیل، اینک من قومی را از دوردست‌ها بر شما می‌آورم.» این قومی پایدار است. این قومی باستانی است.

این قومی است که شما زبانشان را نمی‌دانید و نمی‌فهمید چه می‌گویند. ترکش آنها مانند گوری گشوده است. همه آنها جنگجویانی دلاورند.

آنها محصول و غذای شما را خواهند خورد. پسران و دختران شما را خواهند خورد. گله‌ها و رمه‌های شما را خواهند خورد.

آنها تاکستان‌ها و درختان انجیر شما، شهرهای مستحکم شما که به آنها اعتماد دارید را خواهند خورد. آنها شما را با شمشیر خواهند زد.» بنابراین دوباره، اینطور به نظر می‌رسد که، وای، این یک داوری وحشتناک و وحشتناک خواهد بود. ما باید توبه کنیم.

ما باید راه‌هایمان را تغییر دهیم. اما نکته شگفت‌انگیز این است که علیرغم این توصیفات از چگونگی داوری، شکلی که به خود می‌گیرد و اعلام خاصی که در اینجا صورت می‌گیرد، مردم واکنشی نشان نمی‌دهند و از آن توبه نمی‌کنند. در نهایت، در فصل ۲۰، بابل به عنوان ملت خاصی که خدا علیه مردم یهودا خواهد آورد، معرفی می‌شود.

فصل ۲۵، باز هم، خلاصه‌ی پایانی این بخش است. این فصل مهمی در کتاب است. آن را مانند لولایی تصور کنید که ما را از بخش اول به بخش دوم می‌برد. این پیام در مورد بابل در سال ۲۵۱۱ وجود دارد.

تمام این سرزمین ویران و متروک خواهد شد. و این ملت‌ها به مدت ۷۰ سال پادشاه بابل را خدمت خواهند کرد. سپس، پس از اتمام ۷۰ سال، من پادشاه بابل را در آن ملت مجازات خواهم کرد.

خداوند می‌گوید: «سرزمین کلدانیان به سبب گناهشان ویران شده و این سرزمین را به ویرانه‌ای ابدی تبدیل کرده است. من تمام سخنانی را که علیه آن گفته‌ام، یعنی هر آنچه در این کتاب نوشته شده و ارمیا علیه همه ملت‌ها نبوت کرده است، بر این سرزمین نازل خواهم کرد.» پس این پیام ارمیا است.

من فکر می‌کنم گلچینی با عنوان «بزرگترین سرودهای ارمیا»، تمام هشدارهایی را که ارمیا از سال ۶۲۶ قبل از میلاد تا زمان سقوط شهر اورشلیم به مردم داده است، برای ما شرح می‌دهد. اینها انواع پیام‌هایی هستند که ارمیا موعظه می‌کرده است. وقتی خداوند در سال ۶۰۵ قبل از میلاد به ارمیا می‌گوید که طوماری بنویسد تمام سخنانی که او علیه مردم یهودا، ارمیا ۱ تا ۲۵، موعظه کرده است، برای ما نمونه‌ای گویا از این پیام است.

لزوماً عین کلمات نیست. لزوماً هر موعظه‌ای که ارمیا موعظه کرد نیست، اما این پیام داوری ارمیا علیه یهودا و اورشلیم است. اتهام، کیفرخواست، این کاری است که شما انجام داده‌اید.

و سپس اعلام می‌شود: این کاری است که خدا با شما خواهد کرد. این داوری‌ای است که قرار است اتفاق بیفتد. سپس، در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، به مجموعه جدیدی از مطالب می‌پردازیم.

در درجه اول پیامبران یا روایت‌هایی از زندگی پیامبران. در فصل‌های ۳۷ تا ۴۴، نزدیک‌ترین چیزی که به ترتیب زمانی در کتاب داریم، داستان اتفاقاتی است که در روزهای بلافاصله قبل از سقوط اورشلیم رخ داده است و سپس بلافاصله پس از آن چه اتفاقی در یهودا می‌افتد؟

چه اتفاقی در زندگی ارمیا افتاد، اما مهمتر از آن، چه اتفاقی در زندگی ملت یهودا در روزهای پایانی آن رخ داد؟ آنچه در این بخش آخر داریم، هشدارهای مربوط به داوری است که در فصل‌های ۱ تا ۲۵ آمده است. تحقق آن داوری در واقع در داستان‌های ۳۷ تا ۴۴ آمده است.

اما در کنار آن، این روایت‌ها از زندگی پیامبر دوباره بر یک ایده کلیدی تأکید می‌کنند. مردم به کلام خداوند گوش ندادند. آنها به پیام‌های داوری که ارمیا موعظه می‌کرد، توجه نکردند.

و بخشی از توضیح کتاب ارمیا در مورد چرایی وقوع تبعید این است که مردم به کلام خدا گوش ندادند. تبعید به این دلیل رخ نداد که خدا قوم خود را رها کرد. تبعید به این دلیل رخ نداد که خداوند، به نوعی، به وعده‌های عهد خود وفادار نمانده بود.

تبعید به این دلیل رخ نداد که لشکریان بابل از خداوند، که خدای اسرائیل بود، بزرگتر بودند. تبعید به طور خاص به این دلیل رخ داد که مردم به کلام خدا گوش ندادند. اشکال مختلف آزار و اذیت و مخالفتی که ارمیا در این بخش از کتاب تجربه می‌کند، شامل زندانی شدن، تهدید به مرگ، انداختن در چاه، ربوده شدن، ربوده شدن و فرستاده شدن به مصر به عنوان پناهنده است.

همه این موارد بازتابی از چگونگی گوش ندادن مردم به کلام خدا است. رفتاری که با ارمیا شد، ارمیا نمایانگر کلام خداست. به یک معنا، او تجلی زنده کلام خداست.

و هر نوع سوءاستفاده‌ای که ارمیا تجربه می‌کند، بازتابی از چگونگی رد شدن پیام او و کلام خدا است. ما این نظر را در فصل ۳۷، آیات ۱ و ۲ داریم. از بسیاری جهات، این خلاصه‌ای از تمام چیزهایی است که در این داستان‌های خاص از ۲۶ تا ۴۵ می‌بینیم. فصل ۳۷، آیه ۱ می‌گوید: صدقیا، پسر یوشیا، به یاد داشته باشید که او آخرین پادشاه یهودا است، که نبوکدنصر، پادشاه یهودا، به جای کونیا یا یهوایکین، پسر یهوایقیم، بر او سلطنت کرد.

اما نه او، نه بندگانش و نه مردم سرزمین به سخنان خداوند که از طریق ارمیا نبی گفته شده بود، گوش ندادند. بخشی از مسئله این است که پادشاهان اسرائیل یا پادشاهان یهودا گوش ندادند. یهویا قیم و صدقیا، عمدتاً در این بخش، به کلام خدا گوش ندادند.

اما مقامات او، به ویژه افسران نظامی، به کلام خدا گوش ندادند. آنها از ارمیا متنفر بودند. آنها او را به عنوان یک خائن می‌دیدند.

آنها گفتند که ما باید او را از گوش مردم دور کنیم زیرا نمی‌خواهیم آنها پیام او را بشنوند که مقاومت ما بیهوده است. اما خود مردم نیز به کلام خدا گوش ندادند. و بنابراین، در نتیجه این، یهودا در برابر خدا گناهکار است.

آنها صدها سال است که عهد را نقض کرده‌اند. آنها بت‌ها را پرستش کرده‌اند، اما گناه دیگر این است که وقتی خدا پیامبری را فرستاد که آنها را از داوری قریب‌الوقوع هشدار می‌داد، آنها گوش ندادند. حال، فکر می‌کنم دو نمونه از قابل توجه‌ترین افرادی که به کلام خدا گوش نمی‌دهند در فصل‌های ۲۶ و ۳۶ یافت می‌شود.

فکر می‌کنم فصل ۲۶ شکل دوم موعظه‌ی ارمیا در معبد است که در فصل هفتم موعظه شده است. اگر همان موعظه نباشد، بسیار نزدیک به آن است. و ما پاسخ و واکنش گروه‌های مختلف مردم را می‌بینیم.

به محض اینکه ارمیا این پیام را موعظه می‌کند، به ما می‌گوید که رهبران روحانی و مردم گفتند که تو باید بمیری، زیرا پیشگویی کرده‌ای که خدا خانه‌ی خودش را نابود خواهد کرد. آنها او را به عنوان یک پیامبر دروغین می‌دیدند. اکنون، مردم در نهایت اذعان می‌کنند که ارمیا یک پیامبر واقعی است، اما هیچ نشانه‌ای از هیچ نوع اقدام خاصی وجود ندارد که نشان دهد چگونه به کلام خدا واکنش نشان داده‌اند.

بلافاصله پس از خطبه معبد در فصل ۲۶، شاهدیم که یهویا قیم پادشاه، اوربای نبی را به قتل می‌رساند. بنابراین، این داستانی است که درست در ابتدای این بخش از چگونگی نادیده گرفتن کلام خدا توسط مردم روایت می‌شود. و سپس فکر می‌کنم دومین نمونه بارز گوش ندادن به کلام خدا، داستان بریدن، سوزاندن و از بین بردن طومار پیشگویی‌های ارمیا توسط یهویا قیم در فصل ۳۶ است.

ارمیا به باروک مأموریت می‌دهد که این سخنان را بنویسد، به معبد برود و پیام را اعلام کند. تعدادی از مقامات هستند که متوجه اهمیت این موضوع می‌شوند. آنها آن را نزد پادشاه می‌برند، او آن را تکه تکه می‌کند و در آتش می‌سوزاند.

به یک معنا، این خلاصه‌ای از واکنش یهودا به کلام خداست. ما نمی‌خواهیم آن را بشنویم. و در نتیجه، دلیل این ویرانی همین است.

و این دلیل وقایعی است که در فصل‌های ۳۷ تا ۴۴ رخ می‌دهد. حال، اگر با کتاب ارمیا آشنا باشید، می‌دانید که در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، پیام مهم دیگری وجود دارد. و یک بخش خاص وجود دارد که باید آن را در فصل‌های ۲۶ تا ۴۴ یا ۴۵ جدا کنیم.

و این کتاب تسلی بخش در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ است. و این پیامی است که واقعاً، به یک معنا، در مرکز کتاب قرار دارد. و ما تصور می‌کنیم که ارمیا و باروک در حال گردآوری این کتاب هستند، آنها می‌خواهند این واقعیت را برجسته کنند که داوری، کلام نهایی خدا نیست.

بنابراین، در میان تمام این داستان‌ها در مورد رد کلام خدا، در میان تمام این داستان‌ها در مورد چگونگی آزار و اذیت و مخالفت با ارمیا، جمله‌ای در مرکز وجود دارد که می‌گوید کار خدا با قومش تمام نشده است. خدا قرار نیست آنها را رها کند. خدا در نهایت قرار است آنها را احیا کند.

خدا قرار است عهد جدیدی با اسرائیل ببندد. خدا قرار است شریعت خود را بر قلب‌ها بنویسد. و بنابراین به جای اینکه این تاریخ نافرمانی ادامه داشته باشد، وقتی خدا در آینده قوم خود را احیا کند، آنها قادر به اطاعت خواهند بود.

، آنها به کلام خدا گوش فرا خواهند داد و از او پیروی خواهند کرد. و به نظر من، این پیام امید، شگفت‌انگیزتر و باورنکردنی‌تر است.

این کتاب با توجه به این واقعیت که با نافرمانی و داوری احاطه شده است، روشن‌تر و امیدوارکننده‌تر است. بنابراین، هنگام خواندن کتاب ارمیا، تمرکز خود را بر این واقعیت حفظ کنید که در مرکز کتاب، پیامی از امید وجود دارد. و سپس در نهایت در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱، و ما فقط این بخش را خلاصه می‌کنیم، داوری ملت‌ها را داریم.

وقتی به این بخش نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم که این بخش حول داوری دو ابرقدرت شکل گرفته است. در ابتدای این بخش، داوری مصر را داریم. و سپس در فصل‌های ۵۰ و ۵۱، داوری بابل را داریم.

در این میان، ما قضاوت تمام ملت‌ها و دولت-ملت‌های کوچک‌تری را داریم که قوم یهودا را احاطه کرده بودند. همه آنها در برابر خدا پاسخگو هستند. همه آنها در نهایت در برابر خدا پاسخگو هستند.

همانطور که در بخش‌های پایانی این بخش، داوری ابرقدرت‌ها، مصر و بابل، را می‌بینیم، به ما یادآوری می‌شود که هیچ ملتی آنقدر بزرگ نیست که نتواند از پاسخگویی به خدا طفره برود. و اگر ملت‌ها و دولت‌ها و قدرت‌ها و امپراتوری‌های آن زمان به خدا پاسخگو باشند، امپراتوری‌ها و ملت‌های بزرگ امروزی نیز چنین خواهند کرد. اما در این بین، دولت‌شهرهای کوچک‌تر به ما یادآوری می‌کنند که هیچ ملتی آنقدر کوچک نیست که خدا آنها را نادیده بگیرد.

و هیچ ملتی آنقدر کوچک نیست که نتواند از داوری خدا بگریزد، زیرا او از آنها چشم‌پوشی خواهد کرد. و بنابراین، داوری خدا قرار است رخ دهد. خدا قرار است ملت‌ها را داوری کند.

طرحی در کتاب ارمیا آمده است که در آن خداوند ابتدا اسرائیل را داوری می‌کند و سپس بابل را. خداوند از بابل به عنوان ابزار داوری خود استفاده می‌کند. نبوکدنصر بنده اوست.

، اما حرف آخر این است که خدا همه چیز را درست می‌کند. و چیزهایی که یهودا به دست بابلیان تجربه کرد، در نهایت علیه خود بابلی‌ها به کار گرفته خواهد شد. خدا همه چیز را درست خواهد کرد.

در نهایت، آخرین چیزی که می‌خواهم در این بخش به آن توجه کنم این است که پیامی که خدا برای ملت‌ها دارد فقط پیام داوری نیست. در واقع به سه تا از این ملت‌ها وعده داده شده است که خدا قرار است ثروتشان را بازگرداند. این همان عبارتی است که در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ برای توضیح آنچه خدا قرار است برای اسرائیل انجام دهد، استفاده شده است.

در ابتدای فصل ۳۰، من پس از داوری بر اسرائیل، بخت و اقبال آنها را باز خواهم گرداند. به عبارت دیگر، من آنها را از اسارت باز خواهم گرداند. در فصل ۳۳، در پایان کتاب تسلی، دوباره این وعده داده شده است که من بخت و اقبال اسرائیل را باز خواهم گرداند.

خب، نکته شگفت‌انگیز، وقتی به داوری ملت‌ها نگاه می‌کنیم، این است که نقشه خدا فقط نابودی خود ملت‌ها نیست. به برخی از این ملت‌ها این امید نیز داده شده است که خداوند آنها را نیز احیا خواهد کرد. و بنابراین، در فصل ۴۸، آیه ۴۷، خداوند به موآب می‌گوید، پس از اینکه تو را داوری کردم، بخت تو را باز خواهم گرداند.

در باب ۴۹، آیه شش، خطاب به قوم عمون، پس از آنکه شما را داوری کردم، بخت و اقبالتان را به شما باز خواهم گرداند. و بنابراین، این احتمال وجود دارد که در زمان پادشاهی خدا، و هنگامی که خدا قوم اسرائیل را بازمی‌گرداند، این ملت‌ها نیز شامل آن شوند. اما وقتی به هشدارها به بابل نگاه می‌کنیم، هیچ امیدی نیست.

هیچ وعده‌ای به آنها داده نشده است. این صرفاً پیمای از نابودی کامل است. و هدف نهایی این بود که خداوند وعده احیای قوم خود را می‌داد.

و می‌خواهم با خواندن آیات چهار و پنج از فصل ۵۰، امیدی را که برای اسرائیل با درک این حقیقت که خداوند روزی در نهایت ملت‌هایشان را داوری خواهد کرد، پدیدار می‌شود، به پایان برسانم. خداوند این را می‌گوید، در آن روزها، و در آن زمان خداوند اعلام می‌کند، قوم اسرائیل و قوم یهودا با هم خواهند آمد، در حالی که گریه می‌کنند، و خداوند، خدای خود را خواهند جست. آنها راه صهیون را خواهند پرسید، در حالی که روی خود را به سوی آن برگردانده‌اند، و خواهند گفت، بیایید و بیایید در پیمانی جاودانه که هرگز فراموش نخواهد شد، به خداوند ببیندیم.

هدف خدا از داوری ملت‌ها فقط خالی کردن خشم خود نبود، بلکه در نهایت این بود که قوم خود را احیا کند و پادشاهی آینده را به اجرا درآورد، زمانی که همه ملت‌ها در آنچه خدا برای اسرائیل برنامه‌ریزی کرده بود، گنجانده شوند. به نظر من، وقتی ترتیب کتاب ارمیا را درک کنیم، آن را بهتر می‌فهمیم. ارمیا پیامبر داوری و نجات است.

من اغلب به دانش‌آموزانم می‌گویم، اگر کسی در آزمون انتصاب به مقام کشیشی از شما بپرسد که پیام یک پیامبر عهد عتیق چیست، احتمالاً می‌توانید به سادگی با گفتن اینکه آنها داوری و رستگاری را موعظه می‌کنند از آن عبور کنید. این در مورد ارمیا کاملاً صادق است. او ویران می‌کند، نابود می‌کند، ریشه‌کن می‌کند، اما می‌کارد و از نو می‌سازد.

کتاب ارمیا نیز حول سه بخش بنا شده است. بخش اول، فصل‌های ۱ تا ۲۵، پیام‌های داوری او علیه یهودا و اورشلیم را داریم. در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، داستان چگونگی عدم اطاعت یهودا از کلام خداوند را داریم.

سپس، در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱، ما پیشگویی‌هایی علیه ملت‌ها داریم که چگونه خدا اسرائیل را داوری خواهد کرد، اما سپس دشمنان آنها را داوری خواهد کرد. کتاب ارمیا حول ایده داوری و نجات بنا شده است.

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ششم است، مروری بر کتاب ارمیا